

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

## گذری بر صلوات و مناجات شعبانیّه

ماه شعبان ماه عظیمی است؛ شعبان المعظم است! و این عنوان عظمت به گزاف به این ماه تعلق نگرفته است. ماه بسیار عظیمی است! این صلوات شعبانیّه<sup>۱</sup> که هر روز هنگام اذان ظهر خوانده می‌شود، آموزه‌های عجیبی در آن است. در چند فراز اولش آموزه‌های اعتقادی خیلی عمیق و زیبایی هست. بعد یک دعای بسیار زیباست: **وَ اعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَ لَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ**: خدایا با طاعت خودت دل من را آباد کن. این نشان می‌دهد که راه آبادی دل، طاعت و فرمانبری در عمل است. **وَ لَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ**: و معصیت جز خواری در پیشگاه الهی، هیچ به بار نمی‌آورد. فکر نکنید با رندی و زرنگی و پارتی‌بازی و سفارش و این و آن را دیدن، و دسترسی به پست و مقامات داشتن، می‌توانیم عزت به دست آوریم. **لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ**<sup>۲</sup> این هم یک آموزه‌ی عملی است که در ماه شعبان همه‌ی ما باید ان‌شاءالله به آن ملتزم باشیم.

خدایا! **وَ ارْزُقْنِي مُوَسَاةً مِّنْ قَتَرْتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ**: خدایا روزی من کن، مواسات با کسانی که روزی آنها را تنگ کردی. **وَ ارْزُقْنِي مُوَسَاةً مِّنْ قَتَرْتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ نَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذَابِكَ**:

۱. محدث قمی، مفاتیح الجنان، صوات شعبانیّه؛ سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷-۶۸۸؛ طوسی، محمدبن حسن،

مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۸۲۸-۸۲۹ و ابن‌مشهدی، مزارالکبیر، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۲. سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۸.

خدایا تو روزی آنها را تنگ کردی؛ اما از فضل خودت روزی مرا گشاده کردی، و سایه‌ی عدل خودت را بر من گستراندی، **وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ**: و مرا زیر سایه‌ی خودت زنده کردی و حیات به من بخشیدی. در قبال این سه لطف بزرگی که نصیب من کردی، به من روزی کن که با کسانی که روزیشان تنگ است، مواسات داشته باشم. انفاق و صدقه، از مهمترین تأکیداتی است که اهل بیت علیهم‌السلام برای ماه شعبان کرده‌اند.

بعد به معرفی ماه شعبان می‌پردازد: **وَ هَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ**: خدایا، این ماه پیامبر توست؛ **سَيِّدِ رُسُلِكَ**: پیامبر تو هم سرور همه‌ی پیامبران توست. **شَعْبَانُ الَّذِي حَقَّقْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ**: این ماه شعبانی است که آن را با رحمت و رضوان خودت پوشاندی؛ رحمت و رضوان تو این ماه را دربرگرفته است. **وَ هَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ، سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبَانُ الَّذِي حَقَّقْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ**. حالا در چنین ماهی چه کار باید کرد؟  
الگوی ما چه کسی است؟ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**.<sup>۳</sup>

**الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَدَأُبُّ فِي صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ، فِي لَيَالِيهِ وَ أَيَّامِهِ، بِخُوعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَ إِعْظَامِهِ**: خدایا این ماه شعبان است که پیغمبر تو خودش را به تعب می‌افکند. یعنی نگوییم روزهای طولانی تابستان، گرم و روزهای دشوار است؛ اصلاً روزه در آفتاب داغ تابستان روزه است! پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روزهای ماه شعبان با روزه داشتن و در شب‌هایش با شب‌زنده‌داری، خود را به تعب می‌افکند. چرا؟ **بُخُوعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَ إِعْظَامِهِ**. در مقام بزرگداشت این ماه! پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این ماه شب‌زنده‌داری‌ها و بیداری‌های دل‌سحر و روزه‌های روزها را در مقام بزرگداشت این ماه انجام می‌دادند. **اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْإِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ**: خدایا ما را یاری کن که ما هم در این ماه شعبان به سنت او عمل کنیم و پیرو سنت او باشیم. نشود که ماه شعبان بگذرد و از روزه‌های آن و شب‌زنده‌داری‌ها و سحرهای

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.

این ماه، بی بهره عبور کرده باشیم. **أَعِنَّا عَلَى الْإِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَ نَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ:** و به نیل به شفاعت او، ما را یاری کن! ببینید راه رسیدن به شفاعت رسول الله ﷺ این است که از سنت او تبعیت شود. اگر می‌خواهیم شفاعت پیامبر ﷺ شامل حال ما شود، راه ما این است.

**اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَ طَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً وَ اجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتَّى أَلْفَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِياً وَ عَن دُئُوبِي غَاضِياً قَدْ أُوجِبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّضْوَانَ وَ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَ مَحَلَّ الْأَخْيَارِ.** این‌گونه است که پیامبر شفیع مشفع انسان می‌شود و رسول الله ﷺ راه انسان به سوی خدای متعال می‌شود؛ همان صراط‌المستقیم حق می‌شود و آن وقت انسان آخرت روشنی هم دارد. در این ماه شعبان، هر روز ظهر [صلوات شعبانیه را بخوانید]. هنگام اذان، همین که صدای مؤذن بلند می‌شود، ابتدا اذان را همراه مؤذن تکرار کنید. حکایت اذان<sup>۴</sup> در تعالی انسان بسیار بسیار مؤثر است. مواظب باشید ترک نکنید! هر وقت صدای اذان بلند شد، با مؤذن، اذان را تکرار کنید. او می‌گوید **اللَّهُ أَكْبَرُ**، شما هم بعدش بگویید **اللَّهُ أَكْبَرُ**. او می‌گوید **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**، شما هم تکرار کنید و همین‌طور فراز به فراز تکرار کنید. به این می‌گویند حکایت اذان. چه آثار عجیبی دارد این حکایت! سعی کنید این ملکه‌ی شما شود. بعد که اذان را حکایت کردید، قبل از اینکه مشغول نماز شوید، شروع کنید صلوات شعبانیه را بخوانید. شب نیمه‌ی شعبان هم وارد شده که این صلوات خوانده شود.<sup>۵</sup>

و اما مناجات شعبانیه که این‌همه تأکید کردیم که هیچ روزی نگذرد مگر اینکه لااقل یک دور با تأمل [آن را] خوانده باشید، این [مناجات] نشان می‌دهد ماه شعبان چه ماهی است. ماه شعبان، ماه تجلی حضرت حق است بر سالک. ماه پاره شدن و کنار رفتن حجب نورانی است؛ ماه رسیدن و وصول به عزّ

۴. محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵؛ مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۵، ص ۹۳ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۴۵۳.

۵. طوسی، محمدبن‌حسن، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۸۲۸؛ سیّدبن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج

۱۰، ص ۴۹۲ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، صلوات‌شعبانیه.

قدس حضرت حق است. یک چنین ماهی است! در این ماه می‌شود به اینجاها راه پیدا کرد. ماه صعق است! همان طور که قرآن می‌فرماید: **فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا:**<sup>۶</sup> وقتی ربّ او بر کوه طور تجلّی کرد، کوه مندک و فانی شد و موسی عليه السلام صعقه‌ای زد و مدهوش شد و افتاد. سالک الی‌الله در ماه شعبان این اتفاق برایش می‌افتد؛ یعنی نور ربّ او بر جبل انانیت او می‌تابد و این جبل را، این کوه انانیت را مندک و فانی می‌کند و آن وقت این سالک به صعقه‌ای می‌افتد که آن صعقه‌ی وصال است. ماه شعبان، چنین ماهی است. همت‌ها را بلند کنید. در ماه شعبان باید به این جاها دست پیدا کرد. مناجات شعبانیّه<sup>۷</sup> دارد اینها را به ما می‌گوید. مناجات شعبانیّه یک سیر عجیبی در دل خودش دارد و سیر عجیبی را برای سالک پیش‌بینی کرده است. ببینید جملات اول مناجات شعبانیّه چیست؟

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ:** خدایا وقتی صدایت می‌زنم، به صدایم گوش بده! **وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ؛** بعد خودش را نگاه می‌کند و می‌گوید من خیلی از خدا دور هستم. (ندا یعنی کسی را از دور صدا زدن). خودش را که می‌بیند، دوری خودش از خدا را می‌بیند. می‌گوید **وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ:** خدایا وقتی تو را ندا می‌دهم، این ندای من را جواب بده! بعد خدا را می‌بیند که چقدر نزدیک است، می‌گوید: **وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ...** نجوا می‌دانید یعنی چه! یعنی درگوشی با هم حرف زدن؛ یعنی خدا را این قدر نزدیک می‌بیند. **وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ:** خدایا وقتی با تو نجوا می‌کنم، رویت را به من برگردان و مرا نگاه کن! ببینید، جملات شروع مناجات شعبانیّه اینهاست. دعای عبد است؛ ندای عبد است؛ نجوای عبد است. **دَعَوْتُكَ** است؛ **نَادَيْتُكَ** است؛ **نَاجَيْتُكَ** است.

۶. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۶۴۳.

۷. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۷ و محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، مناجات شعبانیّه.

اما تقریباً دوسوم دعا که طی می‌شود، ببینید سالک به کجا می‌رسد! بعد از اینکه آن جلوه‌ی ذات تجلی می‌کند: **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَصِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ**: خدایا موهبت کن به من که به‌طور مطلق از هرچه غیر توست، منقطع شوم. یعنی چه از هرچه غیر توست، منقطع شوم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا چه می‌گویند؟ این دعایی است که نقل شده هم امیرالمؤمنین علیه السلام و هم یازده امام دیگر در ماه شعبان بر آن مداومت داشتند<sup>۸</sup>. امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا چه می‌گویند؟ می‌خواهند از چه منقطع شوند؟ ایشان مثل من و شما هستند که می‌خواهیم از زن و بچه و خانه و ماشین و پست و مقام و لذت و شهوت منقطع شویم؟! العیاذ بالله! العیاذ بالله! غبار اینها بر نعلین امیرالمؤمنین علیه السلام هم ننشسته، چه رسد بر دل امیرالمؤمنین علیه السلام! ایشان می‌گویند **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ**؛ می‌خواهند انقطاع صرف پیدا کنند از تمام تجلیات حضرت حق؛ از همه‌ی مظاهر در همه‌ی عوالم وجود! نه فقط عالم ناسوت و طبیعت؛ از عالم ملکوت هم می‌خواهند منقطع شوند؛ از عالم جبروت هم می‌خواهند منقطع شوند. **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ**؛ حتی بالاتر، ایشان می‌خواهند از مقام اسماء و صفات هم عبور کنند؛ از لاهوت هم بگذرند. کمال انقطاع از همه‌ی مظاهر و تجلیات حضرت حق را می‌خواهند. می‌خواهند در محضر غیب مطلق گوشه‌ی چشمی هم بر عالم شهادت نداشته باشند. ایشان در کنار ظاهر، گوشه‌ی چشمی [هم] به مظاهر نمی‌خواهند داشته باشند. می‌گویند: **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ**؛ کمال انقطاع! لذا عفوی که امیرالمؤمنین علیه السلام در این مناجات می‌خواهند، عفو از نگاه کردن به ماسوی‌الله است. از اینکه اصلاً توجّهشان به سمت ماسوی‌الله رفته و آن را دیده، مقربان حق را دیده، ایشان دارند از این استغفار می‌کنند که خدایا! آنجایی که ذات

۸. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۷ و خوئی، منهاج‌البراعه، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

(مَنَاجَاةُ الْأَيِّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ كَانُوا يَدْعُونَ بِهَا فِي شَهْرِ شَعْبَانَ)

مقدّس توست، هر چه جز تو را دیدم، خطا کردم. گناه کبیره‌ی اولیاء معصوم خدا، توجّه به ماسوی‌الله است و از اینها به‌راستی دارند توبه می‌کنند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای کمیل یا در مناجات شعبانیه، ادای استغفار و توبه در نمی‌آورند. منتها باید به آنچه که ایشان از آن توبه می‌کنند، نزدیک شد. [ما که] راه به ایشان نداریم؛ اما یک خرده نزدیک شویم تا بفهمیم از چه دارند توبه می‌کند. آنها توجّه به عالم جبروت را هم برای قلب خودشان کدورت‌آفرین می‌دانند. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **لِيَعَانُ عَلَى قَلْبِي وَ** **إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً**<sup>۹</sup> دل من رسول‌الله هم غبار می‌گیرد و لذا هر روز هفتاد بار استغفار می‌کنم تا این غبار از روی دلم پاک شود. غبار پول و ثروت؟ غبار لذّت و شهوت؟ غبار مقام و شهرت؟ این غبارها روی دل رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نشینند؟ پناه می‌بریم به خدای متعال! اگر کسی چنین حرفی بزند رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نشناخته است. ایشان [حتّی وقتی] جبرئیل می‌آید، به جبرئیل هم که نگاه می‌کنند، گرچه در وجود جبرئیل خدا را می‌بینند، **ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله و بعده و معه و فيه**<sup>۱۰</sup> اما همین که در آینه، جمال یار را می‌بیند، استغفار می‌کنند که چرا در آینه‌ی جبرئیل، جمال حضرت حق را دارند می‌بینند. اینها برای قلب پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کدورت می‌آورد؛ برای اینها استغفار می‌کنند. **إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ**، از اینها می‌خواهند منقطع شوند. از کُلّ ماسوی‌الله می‌خواهند منقطع شوند. کمال انقطاع! و تازه می‌گویند **هَبْ لِي!** نه اینکه من منقطع شوم؛ تو انقطاع را به من موهبت کن. یعنی به حول و قوه‌ی خودشان هم متکی نیستند. از این هم منقطع هستند. از حول و قوه‌ی خودشان هم منقطع هستند. **وَ أَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ**: خدایا چشم‌های دل ما

۹. محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۳۲۰؛ صدوق، من‌لا‌يحضره‌الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۵ و با اندکی تفاوت:

تاج‌العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۱۹۸ و شعیری، جامع‌الخبار، ص ۵۷.

۱۰. صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۴۳۲ و فیض‌کاشانی، علم‌الیقین، ج ۱، ص ۴۹ و با اندکی اختلاف در عبارت:

**ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله**، و بروایة: **معه** و بروایة: **فيه**: مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۰، ص ۳۹۱ و ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۳،

ص ۴۳۲.

را به نور نظر به سوی خودت روشنی ببخش. **حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ**: تا اینکه چشم‌های دل، حجاب‌های نورانی را هم پاره کند، همه‌ی حجب را! حجب ظلمانی که برای رسول‌الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام وجود ندارد. آنها حجب نورانی را باید پاره کنند و حالا حجب نورانی که برای آنها هست، چیست؟ خدا می‌داند و خودشان! **حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ**: آن وقت به معدن عظمت وصل شود؛ **وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ**: و روح‌های ما آویخته به عزّ قدس تو شود.

خب حالا این‌گونه شود که چه؟ **إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ**، حالا ببینید به کجا رسید سالک! بعد از این وصال، حالا خداست که او را ندا می‌دهد. اوّل مناجات گفت **وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ**؛ گفت وقتی من تو را ندا می‌کنم، ندای مرا گوش بده! حالا اینجا می‌گوید خدایا **وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ**: خدایا مرا جزء کسانی قرار بده که تو ندا می‌کنی، آنها را صدا می‌زنی و آنها جواب تو را می‌دهند. اوّل می‌گوید من تو را ندا می‌کنم، تو جواب مرا بده؛ حالا بین به کجا رسید سالک الی الله، **وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ**: خدایا مرا از کسانی قرار بده که یک نظر بر آنها افکندی و با تجلّی جلال تو صعقه‌ای به اینها دست داد و مدهوش شدند و از هستی خودشان فارغ شدند و به تو وصل شدند. **فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا**! اوّل می‌گفت **وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ**: خدایا تو به من روی کن وقتی که با تو نجوا می‌کنم؛ حالا می‌گوید خدایا مرا از کسانی قرار بده که **فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا**: تو یواشکی و در گوشی با آنها صحبت می‌کنی، تو با آنها از سرّ نجوا می‌کنی، **وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا**: و آنها آشکارا برای تو عمل می‌کنند. بین این مناجات، سالک را از کجا به کجا می‌رساند! از **نَادَيْتُكَ** به **نَادَيْتَهُ**، و از **نَاجَيْتُكَ** به **فَنَاجَيْتُهُ** می‌رساند. ماه شعبان یک چنین ماهی است. مناجات شعبانیه راهبر ما به این سمت است. آن وقت در این اوج قلّه‌ی کمال، دست خالی بودن را هم نگاه کنید! عبارات این مناجات را بخوانید و ببینید که چطور دست خالی بودن خودش را به خدا عرضه می‌کند. شرمندگی خودش را، که خدایا

هیچ ندارم! إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي، إِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا. در آن اوج قلّه، خودش را دست خالی مطلق می‌بیند. چرا؟ چون مخلوق به خودی خود، هر مخلوقی ولو انبیاء عظام علیهم‌السلام، پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام، ولو ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به خودی خود هیچ هستند؛ هیچند! فقر مطلقند؛ نقص مطلقند. أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ،<sup>۱۱</sup> پس هر کمالی در آنها هست، مال آنها نیست. کمال، منحصر به ذات مقدّس احدیّت است. هر چه کمال است مال اوست. لذا خودشان را که نگاه می‌کنند، یکپارچه نقص، یکپارچه ضعف، یکپارچه کاستی، یکپارچه نیستی می‌بینند؛ لذا استغفار می‌کنند؛ لذا دست خالی بودن خودشان را به خدا عرضه می‌کنند.

در این مناجات شعبانیّه سه تا حالت می‌بینید. یک حالت، حالت شکر است از عنایات حضرت حق. یک حالت، عرض حال است که حال خودش را، دست خالی بودن و خسران‌زدگی خودش را به خدا عرضه می‌کند و یک حالت هم طلب و تقاضاست؛ همان خواسته‌های بزرگی که در این دعا مطرح است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

۱۱. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۵.